

# جنبش یاد و رودانش آموزان جنبش مردم سرسبز ایران

امیرجوهری لنگرودی

amir\_772@hotmail.com

باد می‌گردد و در باز و چراغ ست خموش

خانه‌ها یک سره خالی شده در دهکده‌اند.

رهسپاری که به پل داشت گذر می‌ایستد

زنی از چشم سر شک

مردی از روی جبین خون جبین می‌سترد.

پای تا سر شکممان تا شبشان

شاد و آسان گذرد. «نیمای یوش»

در سپهر سیاسی ایران معلمان جامعه ما بدزی را که سال‌ها افشانده بودند به بار نشست و دیروز دوشنبه ۱ مهر شاید این شدیم که در دبیرستان‌های کشور، دانش آموزان دختر روسری‌ها را از سرشان برداشته و گیسوان را به وزش رها بخش نسیم سپردند. سرزنده و شادمان، ابتداء در کلاس‌ها با پاره کردن صفحه اول کتاب درسی خود، خشم و انزجار خود را از وضعیت آموزش کنونی نشان دادند و پس آنگاه در حیات مدرسه تابلوی‌های خمینی و خامنه‌ای را در خشمی وافر در برابر بنیاد‌های بد آموزش به جا مانده از این دوچهره، پاره کردند. سپس در خیابان با برداشتن مقنعه، شادی لحظه آزادی و رهایی خود را به نمایش گذاشتند و با شادمانی بی‌مهابایی، نه به شکل فردی و چند تنی با هم، بلکه دسته‌ای و گروهی خیابان‌ها را در نوردیدند و مردم نیز با شادی آنان به شور و نشاط آمدند و هلله می‌کردند. بوق ممتد ماشین‌ها در خیابان‌ها، به نشانه شمع مردم از این گزاره حادث شده، به نمایش در آمد. اینها دهه هشتادی و نودی جامعه ما هستند که خود را به جنبش بزرگ معلمان و جنبش عظیم جامعه ما پیوند زدند و شعار «مرگ بردیکتاتور» و «زن- زندگی - آزادی» و توامان شعار «آزادی- آزادی- آزادی» را پایه و مایه رهایی خود می‌پندارند.

اطلاعه شماره دو «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» به زیبا ترین بیان به نمایش پرشور و نوید بخش دانش آموزان اشاره می‌دارند: «دانش آموزان عزیز، جوانان دهه هشتاد و نود، شجاعت شما ستودنی است. ما معلمان از شما درس "شجاعت، زندگی و آزادی" می‌آموزیم.» و یاد آور می‌شوند: «شما به شجاعانه ترین زبان، در انظار جهانیان درس رهایی، برابری و آزادی را فریاد زدید؛ شما در حال مقاومت در برابر یکی از بیرحم ترین دستگاه‌های سرکوب تاریخ معاصر خاورمیانه هستید و این شجاعت مثال زدنی و الهام بخش در تاریخ این سرزمین و فراتر از آن در سطح منطقه ماندگار خواهد شد و شما در حال نوشتن برگ‌های زرینی از تاریخ قرن بیست و یکم هستید.» و این خود نشان از آن دارد که رژیم در دستکاری و الگوی رفتار این جوانان در طول بیش از چهار دهه شکست کامل خورده است.

در نظام صد درصد طبقاتی ما بسیاری از دانش‌آموزان، به بایسته ترین شکل موقعیت خود و خانواده شان و معلمان خویش را درمی‌یابند. دانش‌آموزان با چشمان خویش می‌بینند که چگونه آموزگاران‌شان به شکل قانونی پیگیر مطالبات‌شان بودند، در عوض به جای دریافت پاسخی درخور، در خیابان‌ها توسط قوای سرکوب، عمه و اکره نظام، و از دست لباس شخصی‌ها، کتک خوردند و دستگیر و یا ربوده شدند. دانش‌آموزان نیک می‌دانند که معلمان شریف و انسان صفت آنان که حاضر نشدند بر بازجویان سناریوساز و فرمان‌های حاکمیت، گردن گذارند، همچنان در زندانند. دانش‌آموزان می‌دانند که معلمان آگاه و مسئول آنان همچون: رسول بدایق - اسماعیل عبدی - محمد حبیبی - جعفر ابراهیمی - ناهید شیرپیشه - ناهید

**فتحعلیان - زینب هم‌رنگ - معصومه عسکری - مهدی فتحی - هاشم خواستار - جواد لعل محمدی - محمدحسین سپهری و...** به شکل غیرقانونی و ظالمانه در زندانند. تازه معلمانی که با قید وثیقه آزاد شده‌اند، پرونده آنان در روی میز حاکمان ضد فرهنگ بازاست تا برای روز میادا دوباره فرا خوانده شوند. دانش آموزان با چشمان خویش دیده‌اند؛ چگونه ماموران سرکوبگر امنیتی به خانه های معلمان شان یورش بردند و حریم خانه و خانواده‌ی آموزگاران فرهیخته آنان را شکستند و به پای آنان اتهامات نخ نمای "شورش"، "براندازی"، "زیرگرفتن امنیت کشور" را چسباندند تا به جای آنان، معلمان سرسپرده و آخوند های حوزه را آزمایشی بعنوان "معلمان سهمیه ای" روانه مدرسه ها سازند. هم از همین روست، دانش آموزان خود حریم حکومت را شکستند تا پای تا سر خود را آزاد و رها نشان دهند. چیزی که عوض دارد، گله ندارد. ظلم که «آشکار» شود، طغیان آغاز می‌شود.

دانش آموزان خاصه فرزندان کشاورزان و زحمتکشان روستایی در روستاها، شهرهای کوچک، و حاشیه‌ی شهرها شب‌گرسنه سربربالی می‌گذارند و صبح نیزگرسنه تر، سرکلاس حاضر می‌شوند. میلیون‌ها دانش‌آموز به دلیل گرانی و مشکلات معیشت و اقتصادی از تحصیل بازمانده‌اند و بدل به کودکان کاروان آوران خیابانی شدند. افزایش قیمت مواد غذایی و هزینه‌های مسکن و بهداشت در حدیست که هیچ امیدی به داشتن یک «زندگی معمولی» برای نیروی جوان و نوجوان باقی نگذاشته، از همین روست که عصیان می‌کنند، سر به شورش برمی‌دارند تا وضع نامطلوب کنونی را از بنیان تغییر دهند. خامنه ای که صدای مرگ بر او، هرکوی و برزنی را در نور دیده و با فرسنگ‌ها فاصله امروز همه خیابان های پنج‌قاره جهان را به زیر پایش کشانده است در قساوتی بی‌مانند، در صحنه ظاهر شد و لا به لای حرف هایش با نگاهی پدر سالارانه و از سر خود خواهی گفت: «این نوجوانانی که به خیابان می‌آیند را باید تنبیه کرد تا بفهمند اشتباه کردند»، اشتباه را آسیابان می‌کند. مردم در خیابان های هشتاد و پنج میلیونی ما، عربان به تو فرمان راندند: «فرمانده» به پایانت سلام کن»

امروز پهنه رویارویی ها در جامعه ما به آنچنان هنگامه ای از خشم و خروش همه آحاد جامعه از زنان - پرستاران و بهیاران گرفته تا پزشکان دوستدار مردمان که به اعتصاب روی آورده‌اند، دانش آموزان و معلمان، دانشجویان و استادان، نویسندگان، سینماگران - ورزشکاران - کولبران و سوخت بران، بازنشستگان، لایه های گوناگون کارگران و سایر قشرهای اجتماعی مردمان ایران، برای بهسازی، بهروزی و بهزیستی خویش در پیگیری سهمناک در میدان نبردی نابرابر با حکومت جهل و جنون و جنایت، رفته به رفته نیاز به همسویی، هم‌جهتی، هم‌گرایی و نوعی سازمانیابی در سطوح گوناگون از اعتصاب تا سنگر بندی خیابان و کمیته های محلات را دریافته‌اند و می‌رود به آن سو که با دهک های پائین جامعه پیوند یابد. آن روز دیر نیست و بسیار نزدیک است!

دیروز در حالیکه کارگران پیمانی پتروشیمی دنا، در جغرافیای کارگری عسلویه به پای اعتصاب رفتند؛ و نیروهای سرکوب به دستگیری رانندگان اسنپ که به یاری مردم شتافته بودند، اقدام کردند و نیز دانش آموزان خیابان ها را با حضور بیمانند خود در نور دیدند، دانشجویان با شعار «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» در اشل سراسری در دانشگاههای کشور به پای اعتصاب نشسته و با گزینش اعتصاب، به تحرک عظیم جنبش مردم در خیابان های سراسر کشور خونی تازه تزریق کردند. معلمان در همایشی سراسری در همزمانی با روز جهانی معلم (۵ اکتبر)، در حرکتی وزین برای همراهی با اعتراضات حق طلبانه ی مردم ایران در تکاپویند، امروز "پای تا سرشکمان" مجلس نشین ناکارآمد اسلامی در کشاکش گزینش وزیر جدید برای وزارتخانه حادثه ساز تمامی این سال ها یعنی وزارت «تعاون، کارورفاه اجتماعی» و کاندید معرفی شده «محمد هادی زاهدی وفا» مرد سه هزار میلیارد تومانی، گند قضیه را آن دیگری به نام فتح الله توسلی، نماینده مردم بهار و کیوتر آهنگ و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس برملا نمود و بیان داشت: «اسنادی که از اموال زاهدی وفا به دست آورده است، تاکید کرد: منزل ویلایی دهکده ۱۸۰۰ متر، زمین کرج ۴۲۰۰ متر، باغ دزاشیب ۱۸۵۰ متر، ویلای جنگلی سرودشت ۵۱۰ متر، آپارتمان گل سنگ نیاوران ۷۲ متر، خانه دزاشیب ۵۵۰ متر، باغ کرج ۱۲ هزار و ۵۰۰ متر، باغ نائینی ۱۱ هزار متر، ویلای ساحلی در چلمدن ۲ هزار متر، خانه ویلایی نیروی هوایی ۴۰۰ متر، زمین شهرری ۱۵۰ متر، آپارتمان ۱۸۰ متری نیاوران و منازل دیگری که به نام ایشان وجود دارد»، توسلی افزود: «بنده در جلسه نیز به ایشان یادآور شدم که براساس برآوردی که انجام دادم اموالش ۳ هزار میلیارد تومان است» ایشان به من گفتند: «رقم را بالا گرفتید، اموال هزار میلیارد تومان است و من سراپدارم» باری مجلسیان بی‌قابلیت - که برای خوش رقصی کردن به جان هم افتاده‌اند - با قیام و قعودی در خود، رای خویش را در کاسه اتخاذ آرا، مدعی سراپداری به "محمد هادی زاهدی وفا" مرد سه هزار میلیارد تومانی، وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دولت قاضی مرگ، ابراهیم رئیسی، برای تصدی این وزارتخانه به او رای اعتماد دادند. بیگمان فردی با این مشخصات هیچ کمکی به مزد و حقوق بگیران نخواهد کرد. این جنبش اگر با خیابان هماهنگ شود زاهدی وفا و امثال او را جارو خواهد کرد. چنین کنیم و چنین بادا!

سه شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۰۴ اکتبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>